

در سאלه مشهد نامه

المسمى به

تحفة الطوسیه

(از تألیفات)

آقای حاج شیخ عباس قمی

دامت بر کاته

بدستور

حاجی سید احمد قباچی

مدیر کتابفروشی اسلامیة



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

در دفتر کتب کتابخانه ملی

شماره ۸۶۲۰۶ کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

بخش مبادلات

ثبت گردید

رسالة المشهد

نام و هجری بن محمد الطوس

انرا لیساعا لعل

در دفتر کتب کتابخانه ملی

شماره ۱۸۷۶۶

ثبت گردید

حضر اف

حاج

سید عباس قمی داماد

آقا حاج سید محمد کاتب و شریع اسلام طبع کرد

حسب الفرموه



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله فائق بحب النور خالق الارض والسموات
والسلام على النبي المصطفى وعلى آله الهدي ومصابي
الهدى وبعد چون ساله شریفه تحفه الطوبى كانه
تالعات شریفه حضرت جبر عليم ومحدث فحيم آقاي
حاج شيخ عباس قمي دست برکات است كتابي منيفه و
زارين استان قدس حضرت شامس لاله عله وعلی آقا
و انبائه المعصومين الف سلام و تحية و در نظر اهل نظر ساء
ذی ممت بود و نسخ طبع اول آن نایاب شده و این حضرت



طلباً لمرضاة الله وجاه المشوابة فقام بحسن بر این نسخه

نموده که نسخ آن زیاد و بیشتر در دسترس زائرین باشد

شاید که این ناچیز را هم در موقع زیارت ^{طلب} بدعا و

نفسه تی یاد و شادماند

العبد فقیر محمد تقی بن یوسف



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله وسلام على عباده الذين اصطفى وبعده حسن گوید
این بنده شرمسند عباس بن محمد رضا بقمی غفر الله
له و ذمی و محضی بودم که یکی از دوستان انوار داشت که
شخصی از اهل خبر در این مقام برآمده که چه صفی که مسلم
بر چند زیارت حضرت امام رضا علیه السلام طبع کند و بدو
آن روضه منوره نماید منظر شایسته زیارتی خوبست ان شاء
الله من کتتم که زیارت معروف حضرت منقول از محمد بن الحسن
بن ابی و صلوات مختصر و آورده بر آن حضرت زیارت من
خوبست زیارت عبادیه بخوبی رسید اعلی نقا و مرحوم مراد

در کتاب اربعه^۱ هم تفصیل کرده چون نسخه اش کم است اگر
 طبع شود نسیه خواهد بود فرمودند شمار نسیه آنرا برای آنست
 که ما اندوی آن طبع کنیم احقر بملاحظه اگر هرگاه
 آن نسیه من عاید شود بر آن استقام کردم بجای مردم
 که بسیار نایب است که مختصری از مجلد دوم مطلق نشود که در
 شرح بنای حرم مطهر و همیشه اماکن متعلقه بآن نشان شده است
 بآن منضم کنیم تا از آنرا ان را بصیرت افروخته و از بعضی اشعار
 بی بهره نماند امید که از آنرا آن از دهن مطهره این بحر هم در میان
 در حال حیات دعوات از دعای اموش نفرماید و الله اعلم

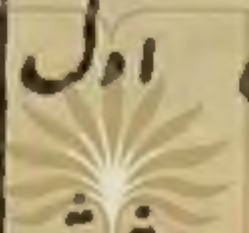


بسم الله الرحمن الرحيم

و به نسیم

بدانکه سناباد بدیده که چلی بوده است از طوس و محمد بن
فخطبه که حاکم این ولایت بوده از جانب هرون البر
در سناباد عمارت و باغی داشته و چون هرون
در طوس ده گذشت و خایه محمد فون گشت عمارت مارن قه
بر فراز افرات ساخت آن قه به قه هر دینده منور شد و چو بخت

امام رضا علیه السلام در طوس شهید شد آنحضرت را در قبة
 پروینیه دفن کردند و اینک در افواه شهرت دارد که قبة
 اولیه را بخند زد و القرمین آنست که یا چهار دیواری در
 این محل ساخته شد صحیح بر آن دیده نشده علی بعضی
 روایات استغاده میشود که سناباد را ذوالقرنین آید
 کرده چنانچه در دایرة تدفن پیوسته بنام العبد
 الصالح الا سکندرز ذوالقرنین بیده بارض طوس تعال لها
 سناباد بضعه منی « و آنچه از مجمع کتب و سیرت
 باید آنست که قبة مبارکه حرم امام ثامن علیه السلام چهار باب
 بست چهار بابی عمارت شد و تخیل سه ویرانی اول
 قبة پروینیه است که قبل از انحال آنحضرت بامر مامون ساخته



و در دست است ثم دخل علیه السلام دار حمید بن محمد
 الطائی و دخل القبة التي فيها قبره و نال الرتبة
 گویند این بنای موز بعضی از دیالیه مبارکه از ثریات
 مزین نود و داین بود اما امیر سبکگین بر آنه خست
 و ظاهر آنست آن مقصب دینی بود و پس چند سال
 آن بزرگوار خراب افتاده از خوف مخالفین کسی عادت
 آن عمارت نمی برد خست تا آنکه یمن لدله سلطان محمود
 پسر طغرل بن سبکگین حضرت امیر المومنین صلوات الله
 و سلامه علیه را در خواب دید که دستش بر سر او گذاشته
 ماند محمود دانست که مقصود امر شده حضرت امام رضا است
 بمسکنند و ارشد مشغول گردید بعبادت آن مباشرت حاکم



نیش بود و بارگاه بی یک پر درخت و قبله بلند تر از فرخست
قال ابن الاثیر فی الکامل حصه و سلطان محمد عماره

المشهد بطوس له فی قبر علی بن موسی الرضا علیه السلام
والرشته و حسن عماره و کان ابو سبکسکین خربه و کان

ابن طوس یو ذون سن زوره فمستم من ذلک و کان

سبب ذلک انه رای امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام

فی المنام و هو یقول لالی متی به افعلم انه یرید امر المهدی

بعمارته همانا این بنابر ثانی و طرق است قبایل غسان

ویرانی پیدا آمد پس در عهد سلطان سنجر سلجوقی شرف الدین

ابو طاهر قمی عامل مرد آرا اصاله از مال خود یادگار ارجا

سلطان سنجر عمارت نمود و این بنابر او در فتنه حکمران و پیش تو لیا

و برای سیم طاری گردید چه تو لیجان بعد از فتنه چکری بعد
 قتل اهل بیت با بوریطوس رفت و وضع مقتدر حضرت رضا
 علیه السلام و آبادانی آن ناحیه را بنه منهدم ساخت
 چنانچه ابن ابی حمسید در شرح نهج البلاغه در ذکر فتنه
 گوید : ثم عمدوا الی طوس فنهوها و قتلوا اهلها و خربوا
 المشد الذی به علی بن موسی الرضا و الرشید هر دو بن
 الرشید و ساروا الی هراة - و بهم ابن اشیر جزری گوید
 فلما فتنه غوا من ذلک سیروا طائفة منهم الی طوس
 ففعلوا بها کذا لک ایضا و خربوها و خربوا المشد الذی فیہ
 علی بن موسی الرضا و الرشید حتی جعلوا کجمع خرابا ثم ساروا
 الی هراة - پس دیگر تعمیر آن بنا را بر آنجا از تواریخ است

میشود بدست ارکان دولت سلطان محمد اوجی بنوالدین
 شیه شعبه منقول شده است چه آنکه در سال ۷۳۴ که
 قاضی شمس الدین بطوطه طغی از جام بطوس آمد مردم مطهر
 شده بود چنانچه خود او تصریح کرده شده فی قوله
 والشيخ المکرم علیه قبة عظیمه فی داخل زاویه و تجاوره
 مدرسه و مسجد و جمیعها طبع البسنا مصنوع بحیطان بالکاشی
 و علی القبر و کانه خشت لبته بصنایع الفضة و علیه قبة
 فضة معلقه و تیه باب القبة فضة و علی بابها کسره حریر
 و هی مبطونه بانواع البسط و ازار به القبر قبر بدون الکریه
 و دیگر از تاریخ ۷۳۴ به بعد دیده و شنیده نشد که خرابی و
 ایندای بران قبه واروده باشد مگر در عهد صفویه که از آن

از خراب کرد چنانکه بآن اشاره خواهد شد و در ۱۵ ذی حجه
 ۱۰۰۷ شانه عباس آدل دار و مشهد مقدس گردید و در محرم
 که عید المومن خان اوز بکی غارت کرده و سوامی بحر طلائد و دیگر حرمی
 در آنجا که اشته و در ۲۸ ذی حجه از مشهد بهرات رفت و
 بهرات را استرداد کرده بعد از نظم آنجا جهت مشهد نمود
 و آنجا توقف نمود و صحن مقدس را مرمت کرد و خدام تقیه
 مبارک را احسان و عیایت فرموده معاددت به عراق فرمود
 و در اوایل ۱۰۰۸ شانه مجدداً شاه عباس مشهد مقدس رفته و
 در آنجا که برپا و خدمت خاد و پاشی کری استانه شد
 خدمت و مشغول بود چنانکه شی با مقدر این مشغول
 میگرفت شیخ بهانی علیه الرحمه این رباعی را نوشت که

پیکر بود ملک علی بن	پروانه سمع روضه خلدین
---------------------	-----------------------

سفر اضحی با حیات زنی افغان	ترسم بری سپهر جریل
----------------------------	--------------------

پیاده شرف شدن شاه عباس مشهد

در سال ۱۰۱۰ بنابر تذکره شاه عباس کرده بود که پیاده مشهد

پیاده شرف مشهد کردید صاحب تاریخ عالم آرا این

اشعار را در این باب نگاشته

شده دالاکر خاقان محسبه

غلام شاه مردان شاه عباس

پیاده رفت با اخلاص

بلخوف مرقد شاه خراسان

و چون بمشهد مقدس رسید صحن مبارک را دست داد و بوی

علیشیر که درگاه روضه مشیر که از اینجا بوده در یک گوشه

صحن اتفاق افتاده بود در میان بود در وسط مشیر داد

و ایوانی مقابل آن در طرف دیگر باخت و خیابانی از دهان
 عراق شهر تا شرقی طسرح کرده که از هر طرف به صحن
 از میان ایوانها بگذشت و چشمه ها و فountains احداث کرده
 بشهر آورد و در سه می از میان خیابان و حوضی بزرگ در وسط
 صحن احداث نمود که آب از حوض گذشته به خیابان
 جاری شود و در بناهای مذکور کتیبه ها بنجد میرزا محمد رضا
 صدر الکتاب و میرضای عباسی و محمدضای امامی رسم
 و بهم شاه عباس قبه مطهره را بطلات تزیین کرد و چنانچه در
 کتیبه قبه مطهره بآن اشاره شده و صورت آن کتیبه چنین است
 بسم الله الرحمن الرحيم من عظام نعم توفیق الله سبحانه ان
 وفق استطان الاعظم مولی ملک العرب و العجم صاحب

بالنسب الظاهر لیسری و بحسب الباهر العلوی تراب
 بسته ام خدام بنده الروضه المنوره المکتوبه مروج آثار
 جده ابو النصر بن السلطان ابن السلطان ابو الطغر شاه
 عباس بن محسن الموسوی الصفوی بهادر خان فاضله بای
 شینا علی قسندینه من دار السلطنة صفهان الی زیارة
 بنده محمدا و شرف و قد تشرف بنوینده بنده العتب
 من خلص الی فی سنة الف و عسرو تم فی سنة الف و
 ستة عشر و در سال ۱۰۸۴ زلزله عظمی در خراسان
 واقع شد که سبب آن فائده ای بسیار خراب شد و جماعتی
 بجا ماند و بسیاری مصرا بفرستند و هم در آن زلزله
 قه مبارکه با بنای مسجده جامع خراب گردید و در سنة

شاه سلیمان صفوی آن قبه مبارکه را تجدید کرد و اشارت
 باین شده در کتبیه واقع در چهار برنجی که در اطراف قبه
 منوره است و صورت آن که احوال محقق خوانداری است
 اینست : من میا من من آیه پیما الذی زین السماء
 بزینة الکواکب و رضع هذه الثیاب العلی بید الدار
 المشرقة ان استعد السلطان لا عدل الا عظم و انما
 الا فحشم الا کرم شرف ملوک الارض حشا و سببا کرم
 خلقا و ادبا مروج مذہب اجداده لامة المعصومین و
 در اسم آباء الطیبین الطاهرین سلطان بن اسلا^ن
 بن سلطان شاه سلیمان نجفی الموسوی الصفوی
 بهادر خان شدیب هذه القبة العرشية المملوکیة
 و زینها و تشرق تجدید ما تحسینها اذا تفرق الیها^{لحا}

و سطحت لیسناتھا الذبیعیۃ الّتی کانت تشرق کالمحمر

فی رتبه النّار بسبب حدوث الزلزله العظیم فی ذہ

البلدۃ الطیبۃ الکریمۃ فی سنۃ اربع و ثمانین و اربع

و کان فی الحبدید یکسبۃ ست و ثمانین و اربع

کتبه محمد رضا الامامی

ذکر وضع مقدس رضویہ و اسبۃ متعلقہ بآن

حرم مطہر تقریباً در وسط شهر واقعست بنامست مربع و اربع

چند بر آن احاطہ نموده و شرح دخول و خروج حرم

مطہر از این سترہ است چون از در طلای شمس روی

کہ در سمت جنوب واقع شد و بسیرون آیند داخل

دار الحفظ میشوند از دار الحفظ اطراف دست راست

از سمت مغرب باشد بیه دن رمی دارد و در استیلا
 میشود و در اینجا و راه خروج است یکی سمت جنوب که
 گویشاد میرود و دیگر سمت شمال از هر دو ستاقان
 طلا بصحن عتیق منتهی میشود و راه دیگر خروج از حرم از
 پشت در مبارک به حبه خانه داخل شده با یوان
 رفته وارد صحن گنبد میشود راه سیم از در پامین پاد
 گنبد حاتم خان شده از اینجا بخت تقسیم دارد و سعاده رفته
 از اینجا با یوان طلای صحن جدید میرسند و از طرفین یوان
 بیه دن میروند

صورت بعضی کتیبه های حرم منظر

در دیوار در پیش دی مبارک این عبارات مجدی

لکاشی چینی نانه بسیار متماز بخط ثلث درجسته کتبه شده

بسم الله الرحمن الرحيم هذه ارضه المقدسه المکرمه ^{المطهره}

مولينا الامام المعصوم الشهيد المظلوم الرضا علي بن ^{طهم} الكاظم

موسی بن الصادق جعفر بن ابی استمه محمد بن ^{جعفر} بیضاوی

علی بن الشهيد برهما حسین اخ محسن بن علی بن مطالب

امیر المومنین و امام الحقین و وصی رسول رب العالمین محمد

بن عبد الله بن عبد المطلب صلوات الله علیه و علی آله

الطیبین الطاهرين و صحابه المنسجین و رحمته و بركاته

من عمل بعد المذبذب اجمی رحمه الله و علی امام علیه ^{لصوته}

و السلام علی بن محمد المقری غفر الله له و در ذیل آن

درست شده ضعف عباد الله محمد بن ابی طاهر بن ابی ^{محسن}

بعد از عید حسنه فی تاریخ عید شهر عبادی لادلی حسنه

اشی عشر و ست ماه غفر الله له ولوالديه وجميع المؤمنين والمؤمنات

محمد وقرنه الطاهرين ودر پیشانی همین در ب مقدس

ابونواس در مدح حضرت رضا علیه السلام است

سلطان نقیات جویسم

من لم یکن عدوا حین منی

الله لما یری خلقا فانقسم

فانتم المذاب الا علی و عندکم

نخبری بصوت علمهم انما ذکره

فما لم یکن حین منی

صفاء که صیفا کم ایها البشر

علم الکتاب باحازت به السوره

تقریب بنده العارده العبد الضعیف الله یل الحاج

رحمه الله تعالی سالی ال محمد عبد العزیز بن آدم بن ابی نصر

القمی حشر الله مع الله و نسیه در دوره در یکا شی

سوق نوشته قال رسول الله صلى الله عليه وآله

يا علي انما نذر امتي و انت اديها الله آخر و بخله که فی

در کتب و دور و نوشته آن فی ذلک ایات ^{است} ^{للمؤمنین}

سببی ناله آنرا لعل الخ در حرم مطهر بالای آزاره

در دوره بردوی کاشی های صنی بسیار نماز کتب است

چسبده از سوره انما فتحا مقداری و از اهل آتی مقداری

بتاریخ این من جاوی لاخری سینه سینه و سینه و سینه

در حشامی کاشی های آزاره دور و دور مقدس که اغلب

به شکل مندر است بعضی از احادیث و آیات و کلمات

قصا و حکیمه نویسه و علویه بحد نسخ عربی رسم شده است

که اگر کسی آنها را در سال جمع کند رساله نافه شود و دعا ^{است}

تاریخ دارد بعضی با نصد و چیری و بعضی ^{۱۱۲} شصت و بعضی ^{۱۱۳} ۷۰
 و از این تواریخ معلوم میشود بخوبی که هر سه کدام از زمانه
 سادسه و سابقه و مانده داخل آن روضه مطهره ثریمن یافته
 و کتیبه محراب پیش وی مبارک نوشته آیه ان محضات
 بذهبن لنبات و آیه قد نری تعقب و جلت فی السماء
 و بخط کوفی بسم الله الرحمن الرحیم آمین الرسول الایه و بعضی
 احادیث و فضیلت زیارت صاحب آن قبر مطهر و آیه
 ان الله و ملائکته و آیه شهدائه و در محرابی که کتیبه زیارت
 محراب کتیبه آن نوشته آیه انما و یکلم الله در
 و آیه لا تحزنوا الذین اتخذوا و یکلم و آیه بسم الله
 له لوکن لیمش و آیه شهدائه و بخط کوفی و شهدا و من و آیه

اول قد افسح المونون وآیه آمن الرسول و بجان ^{الکرم} ^{الکرم}
 و بجهه و کن فی صدوکت خاشعا و در محراب صفای
 سر مبارک نوشته آیه استم الصلوة لیلوک الهمس و آ
 شهد الله و یخ آیه آل عمران ان فی خلق السموات
 و الارض و حدیث حب علی حسنه و انا مدینه العلم
 و حدیث منزلت و خیر کتبه باده می مردم که غنی الیه
 چهار دیوار عرم مبارک است سوره یسج که نوشته شده بخدا
 ثقت بر قم خط مشهور علیه رضای عباسی که تا بحال حدود
 سیصد سال است و در بیان ترنجبانی که در دیواری چاه
 طرف عرم است احادیثی است در فضیلت حضرت ^{حسن} ^{الموسی}
 و فاطمه ^{سلام} ^{سلام} و فضیلت زیارت امام رضا علیه

و در پیشانی در پیش روی مبارک که بطلان نوشته لغت شرف
 به سبب روضه الرضویه الهی نمایی الحسنة الشریفة
 و ادراج الحسنة من خدم جناب السلطان نادر افشار رحمة
 الملك انصار شد بعد از آن نوشته شد ثم بعد از احوال
 ظهر علیها الاندر اسفار السلطان ناصرالدین شاه قاجار خدایه ملک
 بالترتیب بالترجیح و السبب لتقصیر نور علی نور و در ازاد
 تمام و در حرم زیر آینه کاری بر روی سنگ مرصعیده سلیم
 و میرا ملک فرامانی میرزا محمد حسین حسینی و خط میرزا حسین قلی
 خوشنویس مجاری شده که مطلعش است تبارک اند این
 روضه پایون سر که بر تر از دو جهانست نزد اهل نظر
 آفرین است نوشت ملک و میرا برای تاجش که

نفس نه گونی در جرم لعب حجر اکتبته ای بواب ^{سحر}
 در طای پس دنی حدیث انامدینه الحکم و حدیث من ^{نزاری}
 فی ملک البقیه کان کن زار رسول آ و آینه نور در تبهای
 آن ثبت است و بر چهار چوب آن بات مست آن در
 مقدم چهار چوب ^{بنا} چهار شعر از اشعار خواجہ نصیر طوسی ^{فصاحت}
 حضرت امیر زمان علیه السلام

بود کل نبی مرسل و د	لوان عبدا اتی بالصالحی
و قام باقام قوام باکل	و صام باصام صوام باکل
عاز من الذنب محصوم باکل	و عاش فی الدبر الا فاقه
و انجب امیر المؤمنین علی	فلیس فی آخر يوم البعث ^{بنفقه}

و در بالای چهار چوب است قال نه تعالی جئات عدین ^{خبر}

و خستون فيها من اساور من ذهب و لؤلؤ و لباسهم فيها
 حرير و طلاي باطن پاي مبارك باين شهاب طرز شده

صلی الرب علی شمس لفتی

و علی نجم العلی بدر الدجی

و یفین و رحمن غنہ

و علی الزہراء سکوۃ لفتیا

و شهیدین سعیدین ہما

و علی بابۃ نقاس^{تے} لاند

و علی الہاطم موسیٰ الرضا

و ابی جعفر الثانی النقی

و علی الہادی علی و الرئی

و حد النجاء نور العیدین

من علیہ الشمس و ت برن

و لفتیج بدر و حین

لوکب العیدام الحنین

لیر رسول الحبسی قرہ عین

و علی الصادق حقا و ک^{مین}

شمس طوس ضیا و ہما نقیر

مطلع ابجد سہ ارج^{مین}

و علی الہدی حتم^{مصلحین}

نور حق بغیت دی عیسیٰ -	عمل اقامت طلوع البسیرین
نجم از اعجاز سیم فاح نشینا	نجم ریاضین ریاض کجنتین
تقلب اوجده من رضوانم	لا یساویها سجد و بحین
نظم العبد قوام لهم	صدواة لمعت کالفرقدین
سره اقامت بال المصطفیٰ	والبحین نهم دالانین
حادث لا فنام فی اوصافهم	فایة الاحیاء و سرائعهم

در بشارت - که در درج توحید فائز واقع است بر آن
 اشاری از قصیده و عمل نقش شده و خطی مطبوعه و ذکر آن
 معصومین علیهم السلام اول آن بعد از سید محمد قدس الدی بن
 سار البسیرة العزیز المصطفوی بنیة الکواکب الزهراء ^{انما} ^{تصویر}
 و کشف فاضل - بنامت مرتفع سنجس ویر قلی حرم سلطانی

کو بهر شاه آفا زوجه میرزا شاه برخ بن ایریزور گورگ

بانی مسجد کو بهر شاه درای بی تو میخانه دارد درای مسجد

درای بدایه سیاده درای کشتیخانه درازاره طرف

نقصه در آیه از قافانی ثبت است که خورشید

سید غم گفت قافانی نایح مصرعی گویم که نیم بدست

نقش حیات آن مصرع کلام است گفت

که مریدی جوی زمین در که درین سلطان

دار استیاده - بنا عیت طوفانی این سیر از این

شاد است و در آن مسجد است مقابل شکایه نقره که در

بالای سر است و چون از مسجد کو بهر شاه دارد در

شود در صف دست است قبر مرحوم آقای شیخ محمد

و در صنف دست چپ مرحوم حاج شیخ عبد الرحیم بر وجود
 صاحب بدیه الرضویه و شرح قواعد و تفرید متوالی باشی
 قسم مرحوم آقا سید محمد رضا رضوان الله علیه هم هست و در باب
 قدی را از دار سیاده بهار انجمن طبع و نشر و خط نستعلیق
 نوشته شده که این چند بیت از است
 میدان زبان چشم و چراغ دوده شامان که کمر جا کرد و گمان
 او نغز و خاقان شد بناتاکر و قصر دینش از منیع بود
 بنای ظلم در روی زمین یکباره ویران شد تزلزل چون
 باین عالی بنادان داد لرزش بهر سو رخنه ها چون چاک
 در دلهای نایان شد به تکه به بنایش داد و نهان شاه و پادشاه
 گفت که یکرسمت از پیش سر زرافشان شد گفت

از زبان قدسیان تاریخ تعمیرش مطاف جن و انس
 آبا دور عهد سلیمان شد از این شعار معلوم شود که در عهد
 شاه سلیمان صفوی زلزله بدار بسیار خرابی وارد آورد
 و آن پادشاه مرست فرموده و در ^{۱۳۰۰} گنبد و در محمدی
 میرزا حاکم خراسان و میان حکمنا طالع بن شاه و در بسیار
 مبارکه برآید کاری نموده و بسیاری ملک الله است
 مقدره قصیده منظم آورده و در این مقام کریم ششم
 در گنجینه این عرش کبریا قدیازا برداش پوخته
 روی النجاست الی ان قال العرض برآید چون این
 گرفت این کاخ قدس بهر تار بخش صوری تمبی از طبع است
 زمین حرم ناله سرودش غش اندر گوش گفت و بدو حق

بین کتابخانه حاجی نجات (دایمین دار استیفا ده) و ایوان
 طحی صحن کهنه بنامست مربع دره بر گلدسته طه معروف بر
 تقاضا خانه در این تقاضا خانه است این چهار چوب سنگ مثل حجر
 که چکی و تا بخش ۷۷۵ است چه کتیبه آن ثبت است
 السلطان المعظم شاه اعظم الی قوله محمد بن محمود غزنوی
 انصاره یعنی العبد المذنب الراجی الی رحمته محمد بن وزیر
 آن کتیبه نظری دیگر است صاحب اصل کتیبه الی قوله
 تاریخ اواخر شعبان سنه سبع و سبعین و خمسائیه و در بالای چاه
 در شادی که در این مکان است و میخوانند از آن در این
 شون نوشته امر تجدید الباب من خالص له العبد المذنب الی
 ناصر الدوله و الدین نصره من همش الدین استانی فصل

فی تاریخ سده خمس و شصت و سبعه بمیل و علی بن حارث بن
 نوحیه خانه مبارک همان عمارت که وقت درشت
 و دوری دارد با یوان طلای صحن کهنه و یکت راه بارکی دار
 یکسبه الله و بخان و اصل آن از بنای ای مرحوم محمد
 جناب آخوند علامن فیض یابانه مرحوم میرزا محمد خان
 اعظم مرتبی است بنود یکسبه الله و بخان در شرق
 خانه و شمال شرقی حرم سله واقع است با کمال تانیق و احکام
 و حاکی از علو مقام باقی که از امرای دولت صفویه میباشد
 آن ولادت و وفات از هزار علیهم السلام را نوشته اند بجز
 حضرت باقر بن موسی بن جعفر علیهم السلام که مسامحه شده و
 ذکر نشده و حادثی برسم در صفهای این مکان شریف

نقل است در مصیبت حضرت رضا علیه السلام و در حدیثی که
 از آن کسبه القوی و نجاران ایست کسبه حاتم خان گنبد
 حاتم خان بنامیت در پامین پای حرم مطهر که کسبه از پامین
 بنسبه دن سایه داخل آن میشود بخیل متعیم میرود تا به دار السعاده
 و دار السعاده - اصل عمارت از بناهای الهیایان صف اول
 است و چون درگذشت که ناصرالدین شاه بمشهد شرف شد
 محمد ابراهیم خان امین السلطان وزیر دربار که در خدمت او بود
 در حدود کسبه و رفوت نمود جنازه او را بمشهد آوردند و در صحن
 جنوبی دار السعاده بجاگ سپردند میرزا علی صفر خان پسرش بخت
 ترویج روح والدش بآئین کسبه بر زمین با شمشیر کرد و دار السعاده
 و شرح آن در مسجوری ملک اشرف در حدیث مسطور

در ذیل در آورده و در تاریخ سروده زورتم کلک صبر است

زنی تارکش اندر آهسته این بقعه بین است نور

بدانکه دست مشر گسه اللهور دخی ن بنایت مشتم

دش نشین آنرا دار الهیایه گویند و غل آن را همین حدیث

باقی اندکی از اینجا دار الهیایه و دیوان طایفه

پس اصل آن از بنای فقیه است و میرزا محمد حسن حنفی

با مرنا هراتین کاتذیب و مرست کرد و با این دار الهیایه

عالم جان کشیکانه خدام است و بالای آن گنجانده مبارک است

دزدک و توجیه خانه و دیوان طایفه همین علق هم است که

بکی بجای نه دیگر باز شود که در آن دست نهایی است و در هر

در سمت بالا سر حنفی است و حد از آن سجده است و از آن سجده

شمال که میروی میرسد به جبهه و در مردم خایه مقام نفقه الاسلام
 آقای حاج شیخ حسنی در آن وقت است پس از آن دال میشود
 به بیست و سه مرد آن صخره است طویل که یکصد و شصت مرد و نصف
 پشت سر مبارک معروف به جبهه است و کوهی و کوهی دیگر
 میروند به بیست و سه مرد و در آن تو حیات و خیر معلوم
 به نام است نور در خیر است و در خیر است و در خیر است
 که بالای قفل مبارک بخدا علی نوشته است ای داور خسته
 من ریاض بخش کن در لطف پادشاه محض غایتش باشد
 در دست از مرصع که با مردم فحش است و دست کرده اند و در
 چوب نقره که روی آن نصب است و یکصد و شصت است

سفا لطوب من احمى بها قطن من غيرة المصطفى
ن خزا عیالی محسن الممولان له حقاً علی کل من
اضحی باشحت و این دو شمشیر بعضی از جوارى نامون
در مرتبه حضرت امام رضا علیه السلام گفته و در طرف دیگرش
نوشته شده است من سته و این بری قبر ابروین
یفسه ج نه غم زاره کرب فیات ذالقران له
اشکنة سلا من بنی انه منسجبه و این دو شعرهاست
که شخصی در حرم مطهر در نام دیده که علی از آسمان نازل شده و این
و د بیت را بر شاو در و ان قبر مطهر نوشت این بقعه عباسی
گوید که سالها بود منی داشتم که این دو بیت در حرم مطهر
میکشت تا چند سال قبل که تولدت این آستان ملک

مقرر شد به آقای ظهیرالاسلام خدمت ایشان نگاه داشتن
 عرضه داشتیم تا آنکه بامر ایشان این چهارچوب نفقه با این است
 نصب شد و این یادگار ایشان باقی ماند و صحن حسین
 نصف آن که در سمت کسبه طحانی در دست از بناهای ^{عقده} ^{عقده}
 وزیر شاه سلطان حسین باعث ایجاد نصف دیگر از بنا
 شد و عباس سخاخانه طحانی در وسط این صحن است و
 در بعدی ایوان طحانی نام دارد و عباس ایوانی ساخته و آنرا ایوان
 عباسی بنامند و در کتیبه این ایوان و ایوانهای دیگر در
 صحن مظهر آیات و احادیث مسطور میباشد بعضی بخط علیرضای
 عباسی و بعضی بخط محمد رضای نامی و بعضی بخط میرزا عباسی ^{نعم} ^{نعم}
 در مقدمه ایوان عباسی خطی است صوت حضرت رسول الله صلوات

علیه السلام چنین نوشته شد و در خزان فی دبی ۱۱۴۵ هجری

در کتب کلدانی ایوان طلا صدوت حضرت رسول

در مدینه علیهم السلام است و در آخرش نوشته کتبها بهار الدین

محمد بن محمد ۱۱۴۲ بعد از این شهر بغداد ان شهر یک است و ده

صحن جدید - از بناهای مرحوم فتحعلیشاه است در پیش

زمان محمد شاه تا جاز چنانچه در بالای ایوان نوشته شده

مسجد کوپرد از اینسید کوپرد آخاز و شاه رخ بن ابراهیم

است و فی الحقیقه صحن جنوبی حرم مطهر محبوب بنود است

آن در کتب ایوان معصومه سوره بین است تا کالعه

القدیم بنده محمد رضای امی شسته و هم در کتب است

بنده قدیم است و به عماره بنده صاحب اثر شده

والله اعلم بالصواب ودر سیه دن و بنه ایوان کتیب

بخط با سینه بسم الله الرحمن الرحيم انما بعثنا محمدا

وقال لنسبي عليه السلام من نبی الله محمد انما کریم قدی

در سینه ای بجه و بعد فعلی مضمون تا اینجا خط با سینه

و از اینجا به بعد تعمیر شده و گویا خط محمد رضا می باشد و در

کتیب هم مقداری خط با سینه است و رقم کرده و چنانچه

با سینه بنام بن محمد گورگانی فی ۱۲۱۰ و در کتیب با سینه

بخط خفی بر کاشی مسجد قبا بن عابدت نفی محمد فی اول شهر

البارک حب المرحب نه می و عشرين و ثمانه و در کتیب ای

مسجد با کاشی و در کتیب و مسجد و حمله و امثال این کلمات

نسخه ای بسیار خوب است و این صفت نیز مرقوم است قال

العالم يعرف المجاہل لانه كان جاہلاً قبل و المجاہل لا يعرف العالم

لانه لم يكن عالمًا قبل و ہم این حدیث را قال منہجی ان لا یضالہ

تحت مسجۃ ائمرہ و قبل ذلک بسبعین سنۃ وہی تہ مولیٰ عمرہ

و تحصیل دعا ہا لم یوزنہا و اما ما منہ این حدیث قدسی

قال فی تعالیٰ یا بنی ادم طیبونی بعدہ و احکم و عصفونی بعدہ صبرکم

علیٰ ہمار و زود و ولدنا بعدہ سکونکم فیما و زود و لا اخرہ بعدہ

مسکنکم و در مسجد مقدس مقابل آن مسجد یک خطاطی نشینند

و تہ ان بخوابند سبک چارپایہ است بخط ثلث خفی مسعودی

الفیض شمس الدین جعفر الموسوی سند اشعی و تہن ثمانہ

در بیان کیفیت زیارت حضرت امام رضا علیہ السلام - ذکر اذان

و خولی کہ در سہ ہای شریفہ خوانندہ میشود (۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ لِي وَقِفْتُ عَلَى بَابِ
 بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ نَبِيِّكَ صَلَّوْا عَلَيْكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَدْ
 مَنَعْتَ النَّاسَ أَنْ يَدْخُلُوا إِلَّا بِإِذْنِي فَقُلْتَ يَا أَيُّهَا
 الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ
 اللَّهُمَّ وَإِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا الْمَشْهَدِ الْبَرِّ
 فِي عَيْنِيهِ كَمَا أَعْتَقِدُ فِي حَضْرَتِهِ وَأَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ
 وَخُلَفَاءَكَ أَجْمَاعٌ عِنْدَكَ بِرُزْقُونَ بِرُزْقٍ مَقَابِهِ
 وَبِهِ مَوْنٌ كَلَامِي وَبِرُزْقُونَ سَلَامِي وَأَنْتَ حُجَّتُ
 عَنْ سَمْعِي كَلَامُهُمْ وَقَفَحْتَ بَابَ هَيْبِي بِلَيْدِي
 مُنَاجَاتِهِمْ وَإِنِّي أَسْتَاذِنُكَ يَا رَبِّ أَوَّلًا وَآخِرًا
 وَرَسُولَكَ صَلَّوْا عَلَيْكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَانِيًا وَاسْتَاذِنُ

خَلِيفَتِكَ الْأِمَامَ الْمَفْرُوضَ عَلَى طَاعَتِهِ مُوَلَايَ
عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَالْمَلَأَ الْكَوْكَبَيْنِ

در حرم پر گیت از اندک بجای این اسم مبارک اهم مبارک آن نام

و پیش از ذکر نایب دیگر حرمت قبول باشد ذکر اسم لازم نیست

بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ تَالِشَاءَ ادْخُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ

وَأَدْخُلْنَا فِي حُجَّتِهِ اللَّهُ وَأَدْخُلْنَا بِأَمَلَانِ شَكَاةَ اللَّهِ

المُعْتَمِدِينَ الْمُقْبِرِينَ فِي هَذَا الشَّهَدِ فَأَذِنَ لَهُ بِأَمْرِهِ

فِي الدُّخُولِ أَفْضَلَ مَا أَذْنَبَ لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَاءِكَ

فَإِنْ أَمَّا كُنْ أَيْمَانًا لِيَذَلِكَ فَانْتَ أَهْلًا

عزت باریوس و خلی شویو
ایم الله و بالله و فی

بِسْمِ اللَّهِ وَعَلَى مَلِكِهِ وَنَوَلِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

وَاللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ وَارْحَمْنِيْ وَتُبْ عَلَيَّ اِنَّكَ

اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ

در کیفیت زیارت آنحضرت پس بدانکه از برای نجابت باشد

چندین نقل شده و ما در اینجا ذکر میکنیم چهار زیارت اول زیارت

که شیخ جلیل محمد بن الحسن بن الولید منسوب گردیده اند و گفته اند

که از هزاران قولیه معلوم میشود که مردی از ائمه علیهم السلام باشد

و از برای منتهی است از غل و وقت غل و دعای بیرون

از خانه و غل زیارت و دعای آن دسته مودعانه برای شرف

شدن بحکم مطهر که پوشش پاکیزه ترین جامه های خود را و درو

پای برهنه ای و قمار و دولت بیار خدا باشد و بگوید

اَللّٰهُ اَكْبَرُ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ

و گاهای خود را که تا به زوار چون در حل روضه سیدی
 بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
 وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا
 وَلِيُّ اللَّهِ پس بر دهنه وضوح و بیدار دشت خود بگر
 و در روی آنحضرت بایست بگو أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ
 لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّ سَيِّدًا
 الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَأَنَّ سَيِّدَ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَخَلْفِكَ
 أَجْمَعِينَ صَلَوةً لَا يَقْوَى عَلَى إِحْصَائِهَا غَيْرُكَ اللَّهُمَّ
 صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَبْدِكَ وَآخِي

رَسُولِكَ الَّذِي أَنْجَبْتَهُ بِعِلْمِكَ وَجَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ
شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ وَالَّذِي لَمْ يَلِدْ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالِكَ
وَدَيَانِ الدِّينِ بِعِدْلِكَ وَفَضْلِ قَضَائِكَ بِإِزْخَافِكَ
وَالْمُهَيْمِنِ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَدَحْمَةُ اللَّهِ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ وَذَوْجِهِ وَلِبِّكَ
وَأُمِّ السَّبْطَيْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ
الْجَنَّةِ الطَّاهِرَةِ الطَّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ النَّفِثَةِ النَّفِثَةِ الْكَرِيمَةِ
الزَّكِيَّةِ سَيِّدَةِ دُنَا الْعَالَمِينَ وَأَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ
صَلَوَةٌ لَا يَبْقُو عَلَى إِحْصَاءِهَا غَيْرُكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ
وَالْحُسَيْنِ سُبْحَانَ نَبِيِّكَ وَسَيِّدِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ
الْقَامَيْنِ فِي خَلْقِكَ وَالَّذِينَ لَمْ يَلِدْ عَلَى مَنْ بَعَثْتَهُ بِرِسَالِكَ

وَدَيَانِي الدِّينِ بِعَذْلِكَ وَفَضْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْفِكَ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى نَزَائِحِي بَيْنَ عِبْدِكَ الْقَائِمِ فَخْلِكَ
وَالدَّلِيلِ عَلَى مَنْ بَعَثَ بِرَبِّكَ وَدَيَانِي الدِّينِ بِعَذْلِكَ
وَفَضْلِ قَضَائِكَ بَيْنَ خَلْفِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُهْدِي
عَبْدِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ بِإِسْرَاحِ النَّبِيِّنَ اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى جَبْرِئِيلَ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّاقِ عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ
وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْفِكَ أَجْمَعِينَ الصَّاقِ النَّارِ اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى مُوَيْسَ بْنِ جَبْرِ عَبْدِكَ الصَّالِحِ وَابْنِ أُنَاكَ فِي خَلْفِكَ
النَّاطِقِ بِحُكْمِكَ وَاتَّخِذْهُ عَلَى بَرِيَّتِكَ اللَّهُمَّ
صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا الْمُرْتَضَى
عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ الْقَائِمِ بِعَذْلِكَ وَالذَّاعِي

إِلَهِ دِينِكَ وَدِينِ آبَائِهِ الصَّادِقِينَ صَلَوةً لَا يَفِرُّ
 عَلَى أَحْصَائِهَا غَيْرُكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى
 عِبْدِكَ وَوَلِيِّكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ وَالِدَائِعِي إِلَى سَيِّدِكَ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَامِلِ بِأَمْرِكَ
 الشَّامِ فِي خَلْقِكَ وَجَنَّتِكَ الْمُؤَيَّدِ عَنْ نَبِيِّكَ
 شَامِدِكَ عَلَى خَلْفِكَ الْخَصُوصِ بِكَرَامَتِكَ اللَّهُ
 إِلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ صَاوَأَنَّكَ عَلَيْهِمُ
 أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَنَّتِكَ وَوَلِيِّكَ
 الشَّامِ فِي خَلْقِكَ صَلَوةً تَامَّةً
 تَامَّةً تَامَّةً نَجِّلْ بِهَا فَرْجَهُ وَنَصْرَهُ

بِهَا وَتَجْعَلُنَا مَعَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ
إِنِّي أَنْفَرْتُ إِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ وَأُورِثُ وَلِيَّهُمْ وَأَعَاذُكَ
عَدُوَّهُمْ فَأَرْزُقْنِي بِهِمْ خَيْرًا لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
وَأَصْرِفْ عَنْهُمْ شَرَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَهْوَالِهَا
يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَا شَيْئَنِي زِدْهُمْ نَحْرَةً وَعِزًّا
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا حَمُودَ الدِّينِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ
أَدَمَ صَفِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ
بْنِي اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ
- اللَّهُ -

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ سَمْعِيلَ بِبَيْحِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

يَا وَارِثَ مُوسَى كُلِّمِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ

عِيسَى رُوحِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدِ بْنِ

عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَحَبِيبِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي

طَالِبِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَنِعْمِ اللَّهِ السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آيَةِ مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آيَةِ عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ السَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَالَمِينَ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ عِلْمِ

الْوَالِدَيْنِ وَالْآخِرِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ
 جَنَّةِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ الْبَارِ الْأَمِينِ السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الْكَافِي
 الْحَكِيمِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ السَّعِيدُ الْمَظْلُومُ
 الْمَضْطَّوِّدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الْوَعْدُ
 الْبَارِ الْبَقِيَّةُ الشَّهَادَاتُ قَدَامَتِ الصَّلَواتُ وَ
 آتَتِ الزَّكَاةُ وَأَمَرَتْ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَتْ عَنِ
 الْمُنْكَرِ وَعَبَدَ اللَّهُ مَخْلُصًا خَوَاتِمُكَ الْبَقِيَّةُ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ
 إِنَّهُ حَمِيدٌ مُجِيدٌ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ وَلَعَنَ اللَّهُ
 أُمَّةً ظَلَمَتْكَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً اسْتَسَتْ أَنْاسُ

الظلم والجور والبدعة عليكم اهل البيت

پس خود را بصریح می‌پسبانی و میگوئی

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَدَدْتُ مِنْ أَرْضِي فَطَعْتُ الْبِلَادَ

رَجَاءَ رَحْمَتِكَ فَلَا تُخَيِّبْنِي وَلَا تُرَدَّنِي بِغَيْرِ قَضَاءِ

حَوَائِجِي وَارْحَمْ نَفْسِي عَلَى قَبْرِ ابْنِ أَبِي نَبِيكَ

صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِأَيْ أَنْتَ وَأُمِّي أَنْتَ

ذَائِرًا وَانْدَاغَانِدًا مِمَّا جَبَدْتُ عَلَى نَفْسِي خَطَبْتُ

عَلَى ظَهْرِي فَكُنْ لِي شَافِعًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى يَوْمَ

حَاجَتِي وَفَقِيرِي وَفَاقِي فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ

مَقَامًا مَحْمُودًا وَأَنْتَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهٌ

پس دست راست را بپند می‌کنی و دست چپ را بر قریب‌شانی می‌گویی

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ وَلَا يَزِيحُ
 أَنْوَالِي أَخْرَجَهُمْ بِمَا نَوَلَيْتَ بِهِ أَرْهَمَهُمْ وَأَبْرَهُ
 مِنْ كُلِّ دَلِيلَةٍ دُونَهُمْ اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ
 بَدَّلُوا نِعْمَتَكَ وَاتَّهَمُوا نَبِيَّكَ وَحَجَّجُوا الْيَأْسَ
 وَسَحَرُوا بِإِمَامِكَ ^{نَبِيِّكَ} وَحَمَلُوا النَّاسَ عَلَى أَكْثَابِ
 الْإِجْدَاءِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِاللَّعْنَةِ
 عَلَيْهِمْ وَالْبَرَاءَةِ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
 بِسَبِّكَ وَبِإِسْمِكَ وَبِأَسْمَائِكَ وَبِأَسْمَاءِ
 صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَى دُوحِكَ
 وَبَدَنِكَ صَبَرْتَ وَأَنْتَ الصَّادِقُ الْمُصَدَّقُ
 فَتَلَا اللَّهُ سِرَ قَتْلِكَ بِالْإِبْدَى وَالْآخِرَةِ

پس تضرع و بباله کن و بگفت کردن بر کشنده امیرالمومنین

و قاتلان حسن و حسین علیهم السلام و قاتلان جمیع اهل بیت

رسول خدا ص و پرستم که میخواهی و اگر ابر عیارت را که

بعضی و بعد از خدشه بخواند مناسب است . اللَّهُمَّ الْعَن

قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَقَتْلَةَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ

وَقَتْلَةَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ اللَّهُمَّ الْعَنِ أَعْدَاءَ

الْمُحَمَّدِ وَقَتْلَتَهُمَّ وَذَرِهِمُ عَذَابًا فَوْقَ

الْعَذَابِ وَهُوَ أَعْلَى فَوْقَ الْمَوَانِ وَذُلًّا فَوْقَ

ذُلِّ دُخْرِيَا فَوْقَ خِرْيِ اللَّهِمَّ دَعِّهِمْ إِلَى

النَّارِ دَعَا وَارْكِهِمْ فِي أَلِيمِ عَذَابِكَ رَكُوءًا وَ

أَحْشَرُهُمْ وَابْتِاعَهُمْ إِلَى جَهَنَّمَ ذُمَرًا

پس از پشت قبر بر دوز و سر آنحضرت دو رکعت نماز بکن رکعت

اول سوره بسین و در رکعت دوم سوره الرحمن بخوان و بعد بکن

در دعا و تضرع بسیار دعا کن از برای خود و پدر و مادر خود

و جمیع برادران مؤمن خود و آنچه خواهی نزد سر آنحضرت بکن

و باید که نمازهای خود ^{را} تسبیحی مکتوب گوید که این

زیارت بهترین زیارت آنحضرت است

«و اینجا توبه محرم زیارت چوادیه و دو زیارت مختصر دیگر نقل

شده موده اما چون زیارتی که خواندی بسیار بهترین زیارت

آنحضرت است زیارت دیگر برای آنحضرت نوشته شد

بعد از زیارت جامع و همچنین زیارت امین که راجع این

روضة شریفه و سایر روایات خواندن مناسبست و چون نسخ

زیارت جامع خسته دادن است و این مختصر کجایش ذکر آن
 نه است ایراد نکردم اما زیارت بن آیه پس بدان که این
 زیارت در نهایت صحت و اعتبار است و در تمام کتب مزایه
 و در غیر اینها نیز این زیارت نقل شده و علامه مجلسی فرموده
 که آن بهترین زیارت است از جهت من و سنده و باید که در
 روضات مقدسه بدان موطعت نمایند و کیفیت آن چنانست
 که نسبت به ای معتبر و دستب شده از جابر از امام محمد باقر
 که امام زین العابدین علیه السلام زیارت امیر المومنین صلوات
 علیه آله و از دفتر حضرت است و در گریخت گفت

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَحُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهِلُكَ

فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادٍ وَعَمِلْتَ بِكِبَارِهِ وَاتَّبَعْتَ مِنْ
 نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى
 جَوَارِهِ فَضَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ لَكَ كَرِيمٌ ثَوَابٌ
 وَالزَّمَّ أَعْدَاءَكَ الْحُجَّةَ فِي قَتْلِهِمْ إِيَّاكَ مَعَ مَا
 لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقُدْرِكَ
 رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَاكَ حُبًّا
 لِعَفْوَةِ أَرْوَاحِيكَ مَحْبُوبَةٍ فِي أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ
 صَابِرَةً عِنْدَ نَزُولِ بَلَائِكَ شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نِعْمَائِكَ
 ذَاكِرَةً لِمَوَاقِعِ الْآوَةِ مُشْتَاقَةً إِلَى فَوْحَةِ لَهْفَائِكَ
 مُزَوِّدَةً إِلَى قُوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ مُتَمَنِّةً لِبَيْتِنِ

أَوْلِيَاكَ مُفَارِقَةً لِإِخْلَافِ أَحْدَاثِكَ مُسْتَعِزَّةً
 عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَتَنَاوُكٍ بِسُلوَى رُوحِي خُودِي
 بِقَبْرِ بَارِكٍ بِذَارِ وَبُورٍ اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتِينَ
 إِلَيْكَ وَالْهَيْئَةُ وَسَبِيلُ الرَّاعِبِينَ إِلَيْكَ شَارِعَةٌ
 وَأَعْلَامُ الْقَاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَةٌ وَأَفْئِدَةُ الْعَارِضِينَ
 مِنْكَ فَارِغَةٌ وَأَصْوَاتُ الدَّاعِبِينَ إِلَيْكَ صَاعِدَةٌ
 وَأَبْوَابُ الْأَحْيَاءِ لَهُمْ مُفَتَّحَةٌ وَدَعْوَةٌ مِنْ تَاجَانِكَ
 مُسْتَحَابَةٌ وَقُوَّةٌ مِنْ أَنْابِ إِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ وَ
 عِبَرَةٌ مِنْ بَيْتِكَ مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ وَالْأَغَانَةُ لِمَنْ
 اسْتَفَاثَ بِكَ مَوْجُودَةٌ وَالْأَغَانَةُ لِمَنْ
 اسْتَفَاثَانَ بِكَ مَسْنُودَةٌ وَحَدَاثِكَ لِعِبَادِكَ

مَنجَرَةٌ وَزَلَّاتٌ مِّنَ اسْتِغْفَالِكَ مَقَالَةٍ وَأَعْمَالٍ
 الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةٌ وَأَزْدَانِ الْخَلَائِقِ
 مِنْ لَدُنْكَ نَازِلَةٌ وَعَوَائِدُ الْمَرْبِدِ الْبَهِيمَةِ
 وَدُنُوبُ الْمُتَغَفِّرِينَ مَغْفُورَةٌ وَخَوَائِجُ خَلْقِكَ
 عِنْدَكَ مَقْضِيَّةٌ وَجَوَائِزُ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ
 مُوفَّرَةٌ وَعَوَائِدُ الْمَرْبِدِ مُتَوَازِرَةٌ وَمَوَائِدُ الْمُسْتَطْمِينَ
 مُعَدَّةٌ وَمَنَاقِلُ الْغَلَاءِ لَدَيْكَ مُرَعَّةٌ اللَّهُمَّ
 فَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَأَقْبَلْ شَأْنِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ
 أَوْلِيَائِي وَأَحِبَّائِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَحَسَنِ
 وَالحُسَيْنِ وَالْآمَنَةِ مِنْ ذُرِّيَةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ
 إِنَّكَ وَلِيُّ نَفْسِمَائِي وَمَنْتَهَى مُنَايَ

وَعَايَةِ رَجَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَمُشَوَايَ اَيْنَ يَأْوِدُ
 مَرْحُومِ نَوَاسِي نَقْلِ نَمُودِ اَنْشَاءِ اِلٰهِي وَسَيِّدِكَ وَمَوْلَايَ
 اَغْفِرْ لَآوِلِيَانَا اِنَّا وَكُفَّ عَنَّا اَعْدَاؤُنَا وَاشْغَلْهُمْ
 عَنَّا اِذَا نَادَاوَا طَهْرَ كَلِمَةِ الْحَقِّ وَاجْعَلْهَا اَلْعُلْمَا
 وَابْغِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلَى اِنَّكَ
 عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بدانکه در حرم حضرت امام رضا ^ع
 حضرت که از ایشان بمان بنام غیبت و زید اول نماز برای حاجت
 چنانچه از حضرت امام علی نقی علیه السلام منقولست که هر که بر روی
 خدا حاجتی باشد پس زیارت کند خدیم حضرت علی بن موسی الرضا
 علیه السلام را در شهر طوس و حال که غفل کرده باشد و نهد سر بر تخت
 و در رکعت نماز کند و در قنوت نماز حاجت خود را بطلبد پس ^{سجده}

مستجاب شود مگر آنکه از برای گناهی با قطع رحمی سؤال کند
 در سبک موضوع فراموش حضرت بقعه است از بقعه های بهشت
 و هیچ نومی دارد از زیارت میکند مگر آنکه حق تعالی او را از آن
 جنة ازاو میکند و داخل بهشت میگردد و دوم نماز جعفر است
 که در بعضی نسخ آمده و در بعضی کتب نقل کرده اند از حسین بن
 احمد فقیه رازی که هر که زیارت کند حضرت امام ضیاء الدین
 از او عید استقامت و پس نماز جعفر را نزد قبر حضرت بجا آورد
 برای او نوشته شود بهر کفتی ثواب کسیکه هزار مرتبه زیارت
 کند بجا آورده باشد و هزار بنده آزاد کرده باشد و هزار
 مرتبه در جهاد ایستاده باشد یا پیغمبر مرسل و بهر گامی ثواب
 صد حج و صد عمره و صد بنده آزاد کردن داشته باشد و صد

از برای نوشته شود و صد غنای از و بخور شود و طریقه این است
 که چهار رکعت بنشیند و در سوم در رکعت اول بعد از حمد
 سوره اذا زلزله بخواند و در رکعت دوم ^{و بعد از حمد} بعد از آیات و در رکعت
 بعد از حمد سوره اذا جاء نصرکم و در رکعت چهارم بعد از حمد سوره
 قل یوبیئنه و در هر رکعت بعد از فراغ از قرائت یا زده مرتبه
 بگوید سبحان الله و بحمد الله و لا اله الا الله و الله اکبر و در
 رکوع بین تسبیحات راده مرتبه بگوید و چون سه رکوع
 بردارد ده مرتبه و در سجده اولی ده مرتبه و بعد از سر برداشتن
 مرتبه و در سجده دوم ده مرتبه و در سر برداشتن پیش از آنکه
 برخیزد ده مرتبه و در هر چهار رکعت چنین کند که مجموع سجدات شود
 و هزار و دویست تسبیح زده باشد و اینها را در هر جمعه بنویسند

در احوال خود هیچ بداند و آنچه به ریح قبرش در غریبی
 شد و اقیست و بقعه بزرگی و در میان غنی با فقرا و
 میان ریح بن خشم است که از تا بعضی از ارباب این سواد
 صحیبت و یکی از ان زنا دسودن و از ان چهار نفر مدو^{حسن}
 ایشان است که عامر بن عبد قیس و هرم بن حیان و ادیس
 قرن باشند و این چهار نفر از زنا دنا^{صاحب} امیرالمؤمنین
 بودند بر خهبت چهار نفر دیگر که بر باطل بودند که ابو مسلم خولان^ن
 و سروق بن اناه و ریح و حسن بن ابی الحسن و اسود بن یزید باشند
 و از کتاب مطالب بسؤل ظاهر شود که خود ریح عموی امام
 بن عبادة بن خشم است که از متعب بن صاحب الامر^{امیرالمؤمنین} بوده
 و با محمد جسی خود ریح راجع و ستایش نموده اند و بعد از^{صنی}

نوید در مجلس نشسته بود که قبر شریفش در کنار رودخانه طوس
 باشد مقدس و قیمت و از ثقات آن دیار شنیده شد که در وقتی
 که امام علی بن موسی الرضا با امام حسن مجتبی در طوس میبودند برآید
 و آنچه به جمع توبه میبردند و کفایت از فضل و شرفا آهنگی
 و شیخ بهانی مینویسد در جواب قضا و عباسی رضی الله عنهما
 خال و آنچه به جمع نوشته بودند میباید که آنچه به جمع میدادند
 از اصحاب برادران بن علی السلام است بسیار مقرب و محترم
 بود و در کشتن عثمان داخل شد و در وقتی که بشکوه بخراسان
 بکامد با کفار آمد و بود و اینجا فوت شد و از حضرت امام رضا
 که در سوره را از آمدن بخراسان فایده دیگر زبیده و غیر اینست
 و آنچه به جمع و شیخ و ثقات امام حسن مجتبی و جعفر صادق

نوی نو به مرده و در باب پنجم معنی الرحمن شنیده بود که ریح بن حکیم

در میان صحاب امیر المؤمنین علیه السلام رسید و زید و عبادت

بر تبه که ز سید بان اصدی همانا رویت شده که تبت بیت سال

تکم نکرد به چیزی تا ز امور دنیا کرا که روزی بعضی تعابذ خود

گفت که در قریه شما آیا مسجدی هست یا نه گفت بی پرسید بدست

زنده است یا مرده بعد از این سؤال پشیمان شد و خود خطاب کرد

که ای ریح خسیاه کردی ناله خود را بخ و هم بعد از دو فقره نقل از

زیداد از قشری نقل کرده که چون ریح وفات کرد دختر کی ده

بها کی بود با پدر خود گفت که این ستونی که در خانه بها بود

بجا شد پدر با وی گفت که این ستون مرد صامی بود که در بها کی

بود از اول شب تا صبح عبادت استاده بود و بها که بنا بر کی

بر بام سیاه می در حال قیام اورا پس بدیدی خیال کردی که او
 ستون بود الی غیر ذلک شیخ مرحوم فرموده با این مقام و
 عبادت ایان و یقین و ضعیف بوده پس از آن از کتاب ^{ضعیف}
 مضرب مزاجم قصه لیلک اورا در قبال با منویه در کتاب طعنه
 ابرار المؤمنین علیه السلام و آنکه در آن حرب حاضرند و آنحضرت
 در خواست کرد که او را پس کی از سر حدات بفرستد و این ^{جمله}
 بودند و از محاب ابن مسعود محبوب میشد پس ابرار المؤمنین
 برای او ترتیب لوانی داد و او را پس حد می فرستاد و آتی
 و صاحب مجمع البحرین نیز در لغت راجع این فقره را از نصر
 توسط شرح پنج ابن ابی حمزه نقل کرده و قریب همین را
 صاحب روضة بصفا نقل کرده و آنکه گفته که حضرت ^{سید}

اور احسنه دین فرستادند و شاید همین لحظه باشد که عالم حاصل

خبر میرزا عبد الله صفهانی صاحب ریاض العلماء و حیاهن ^{نفسه}

در آنج خواجه ربیع را محل نظرتش داده و لکن با وجود اینها

صاحب روایات محبات از تاریخ ابن عثم کو فی فی الحقیقه

از سفر ابن زهره نقل شده نقل کرده فقال و عن تاریخ ابن

اعثم الکو فی انه کان اقر من فصل علی عبد الله من حلیه

و لاته و مره من توجه الی حرب صفین کان غیظ و درود

خورد فی اربعه آلاف من عا کر ارض الری کلین مسیحین و بعض

درود و تحویل المركب المبارک الرضوی الی حرب مبارک و

له بذلک درجه و فضل ثم ان من طریف اخبار الربیع و

صاحب آثار از کان قد خفر فی داره قرا عکان اذا د

فی سببه قاده و دخل فیہ و اضطلع و کثرت فیہ اشارتیه ثم یعول
 رب ارجو ان لعلی عمل صانعا فیا ترکت برودا ثم مره
 علی نفس یا ریح قد رجعا کن فاعمل و نقل انه قبل ما ترک
 تعاتب احد فقال است عن نفسي حينئذ فانزع لدم
 اناس ثم انشد لنفسی ابکی است ابکی لغيره ففغنى عن نفسي
 عن اناس فاعل و من كلامه لو كانت الذبوب تغوج ^{جلوس}
 احد فی جنب احد و قال ايضا العجب من قوم يعجلون ^{لدا}
 بعبء دن منها كل يوم حرسد و يتركون العمل لدا ^{پر حلو}
 اليها كل يوم حرسد و كان يقول ان عوفينا من شر
 ما عطينا لم يضرنا ما زدي عنا و في الجاهل من مصر و كان
 ریح بن خثیم يضع قملانا بين يديه و يحث بالكل ثم يجالس

لَعْنَةُ فِي عَشْرَةِ مَالٍ وَمَا عَلَيْهِ ثُمَّ يَقُولُ اَوَدَّ بَنِي الصَّامِتُونَ بَعْضُهُمْ
 وَفِي كَلِّ رَأْسٍ سَلَى اَنَّهُ بَيْنَا الرِّيحِ بَنِي خَشْمٍ جَالِسٍ عَلَى بَابِ
 دَارِهِ اِذَا جَاءَهُمْ حُرُصَاتٌ وَجَدَهُمْ فَبُحْتُ فَيُجْعَلُ مَسْحُ الدَّمِ
 عَنْ جَبْهَتِهِ وَهُوَ يَقُولُ لَعْنَةُ عَطَّتْ بِالرِّيحِ فَعَامٌ وَخَلَّ دَارُهُ
 وَلَمْ يَخْرُجْ حَتَّى اُخْرِجَتْ جَنَازَتُهُ وَفِي كَامِلِ ابْنِ اَبِي
 تَوْنٍ فِي الرِّيحِ بَنِي خَشْمٍ اَلَكُوْفِي اَلزَّاهِدُ سَنَةُ ثَمَثَ وَبَنِي
 دَرَامَا اَحْوَالُ خَوَاجَةِ اَبُو اَلصَّاتِ بِكَلِّ اَوْدَهَانَ اَبُو اَلصَّاتِ
 اَسْتُ كَمَا بَشَرُ عَبْدِ اَلْهَامِ بَنِي صَامِحٍ اَسْتُ اَوْدَهَانَ اَلْهَامِ
 اَبُو خَضْرَاءُ اَمَامُ ضَا عِدَّةٍ اَبُو اَبِي خَادِمٍ نَحَابَتٍ وَخَادِمٍ
 اَبُو خَضْرَاءُ نَقْلُ كَرْدٍ اَوْدَهَانَ وَصَحْحُ كَرْدٍ اَبُو خَضْرَاءُ
 وَصَحْحُ اَلْاَبُو اَلْاَبُو اَلْاَبُو اَلْاَبُو اَلْاَبُو اَلْاَبُو

و ازین جهت است که کلمات علما در حق او مختلف شده و بعضی
 او را عامی گرفته اند و لکن کسی که رجوع کند بکتاب عیون
 اخبار الرضا و انامی و غیره و ملاحظه کند روایات را که او را حضرت
 امام رضا نقل کرده که از جمله آنها احتجاج آنحضرت بر علی بن
 محمد باکرم است در عصمت بنیاد و سؤالات او از آنحضرت از معنی
 زیارت الرتب و وجه و غیر ذلک که حقیر علامه را
 خدمت بجای نقل کرده ام خواهد داشت شیعی بودن او را و علما
 عامه نیز تصریح بشیع او نموده اند بلکه بعضی در حق او گفته اند
 انه رافضی خبیث و ابن جوزی گفته انه خادم الرضا
 شیعی صحیح و رسید العلماء و المکملین و مروج الذهب
 و اللامعین رسیدنا الی اهل بیته علیهم السلام

در عیادت روایاتی از او نقل کرده و جمله کلمات علماء عامه را

در توشیح و تحسین او ذکر کرده و از یحیی بن سعید و غیره نقل

کرده که در حق او نقل کرده اند ثقه نامون و روی عن

مسند کمال محاکم به سناده عن صالح بن محمد بن عیسیٰ ^{نظ}

بقول و نقل عن ابی اصبحت له روی فقال و علی بن سعید

و نحن عن ابی اصبحت فلم یجبه فلما تسرجت فقلت له

ما تقول حکایت می فرماید ابی اصبحت فقال هو صدق بخ

و شیخ فقیه رحوم حاج شیخ عبدالرحیم برده روی رضوان الله علیه

در بعضی مجامع خود کلام را در حق او ضبط داده و با محمد از برادر

اوست کتاب وفاة الرضام و در سه جا مراد از ایشان می باشد

یکی در خارج شهر مشهد در خوب طاق بنامه ربع و شیخ دیگر

در میان سبک در خم نزدیک در داری و در هر یک و

نقطه بنا و بقعه بنام ادهو است و بقعه که در نزدیک شده

واقع است صحن و با یکا دارد و در قریب نیمه نخی و قریب

را د است که مردم زیارت بسیار میروند و کوه سفیدی

بسیارند در راه میطلبند .

تمام شده کتاب تحفه الطوبی از مالیهات حضرت

اتای حاج شیخ عباس قمی دست برکات است

نقد محمد تقی بن یوسف عافی

اتماس دعا دارم

بایع غریب حجاب المخبی ۱۲۵۷



مؤلف

رساله مشتمل بر مسمی بحقیقه الطوبی

از تالیفات عالم جلیل حضرت آقای حاج

شیخ عباس قمی در تبرکات

برای

آقای حاج سید احمد میرزا بفرودشی استادی



چاپ شد

مخبر کتابخانه ملی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

کتاب زیر در کتابفروشی اسلامیة بفروش میرسد

۴۵ ریال	قرآن کشف الایات والمطالب چاپ جدید
۴۰	قرآن کشف با تفسیر زواری
۲۵	شرح نهج البلاغه لاهیجانی بفارسی
۲۵	حد کلمه قصار حضرت امیر ع
۴۰	کاشف الاسرار تألیف ملا نظر علی طالقانی
۲۰	معراج السعاده نراقی
۵	مقامات العلیه حاج شیخ عباس قمی
۴	منازل الاخره
۱	ترتیب التواظر
۱۵	جلاء العیون مرحوم مجلسی
۱۵	عین الحیوة
۱۵	حق القین
۳۰	سیردهم بطار ترجمه بفارسی
۱۴	حلیة المتقین یا کاشف اهل
۲۲	نحفة المجالس ابن تاج الدین حسن سلطانی محمد
۳۵	توحید مفضل عمر ابن حمفی
۲۵	یوسفیه یا ۱۲ بند محتشم و ۱۱ بند صاحب
۲۵	کنجیة الاسرار یا معراج المعصی

